

درس چهاردهم

امام خمینی (ره)

نوع نثر: ساده و روان
برگرفته از: کتاب امام خمینی (ره) از امیرحسین فردی با تلخیص

☆ مرجعیت: رهبری، پیشوایی، مرجع تقلید بودن	عوض: دگرگون، جابه‌جا، تغییر
اطاعت: پیروی کردن	آزادی‌خواه: دوست‌دار آزادی
☆ نهضت: قیام، خیزش	مظلوم: ستم‌دیده، ظلم شده
اعتراض: مخالفت کردن، ایراد گرفتن	یک‌صدا: به همراه هم، متحد
تظاهرات: راه‌پیمایی	سلام‌الله‌علیها: درود خدا بر او باد
تبعید: دور کردن، بیرون کردن کسی از شهرش یا کشورش	شلیک: صدای گلوله
طرز: شیوه، روش	سرفراز: سربلند
مرموز: نامعلوم، مبهم، مشکوک	برخاک افتاد: در اینجا یعنی بر زمین افتاد و مُرد
تألیف: نوشتن	☆ مُزدور: کسی که تحت فرمان حاکم ستمگر کار می‌کند، سرسپرده
استعمارگر: کشوری قوی که کشور ضعیف را به بهانه آباد کردن، اشغال می‌کند.	خان: لقب مالکان زمین
برافراشته: بلند کرده	ناجوانمردانه: غیراخلاقی، ناپسندانه
ممنوع: منع شده، دور داشته شده	از پا در آمد: کنایه از نابود شد، از بین رفت
☆ ناگزیر: ناچار	دلاور: دلیر، شجاع
فعال: کوشا، پُرکار	تحصیل: درس خواندن، یاد گرفتن
اعتصاب: دست از کار کشیدن (مردم) به نشانه اعتراض	مکتب‌خانه: جایی که کودکان به شیوه سنتی آموزش می‌دیدند.
آموزگار: معلم، آموزنده	ختم: پایان، انجام، پایان یافتن
استقبال: پیشواز	حوزه علمیه: مرکز آموزش علوم دینی
نظام: دستگاه حکومتی، سیستم	تأسیس: به وجود آوردن، ایجاد کردن روش
واژگون: سرنگون، به هم ریخته، از بین بردن	☆ فروتنی: تواضع، خاکساری
پایه‌گذاری: به وجود آوردن، بنیان‌گذاری	خوش‌بیانی: گرم‌زبانی، دلنشینی کلام
غافل: بی‌خبر	سیمای جذاب: چهره‌ای دلپذیر و دوست‌داشتنی
☆ محبوب: دوست‌داشتنی، معشوق	خصوصیات: ویژگی‌ها
میراث: آنچه از گذشتگان باقی مانده است.	اعتقاد: عقیده، باور داشتن چیزی
☆ گران‌بها: گران‌قیمت، باارزش	تأثیر: اثر گذاشتن بر چیزی

معنی واژه‌ها به ترتیب سطرها

سال‌های بعد - عوض - آزادی‌خواه - مظلوم - خواهند کشید - حضرت - سلام‌الله‌علیها - روح‌الله - شلیک گلوله - سرفراز - مصطفی - مزدوران خان - چندماهگی - خاطره - سنّ تحصیل - مکتب‌خانه - ختم - حوزه علمیه اراک - مدتی - مُم - تأسیس - آیت‌الله‌عبدالکریم حائری - سادگی - سیمای جذاب - صاحب خصوصیات اخلاقی و اعتقادی - خاصی - تأثیر - دگرگون - آیت‌الله‌العظمی بروجردی - علما و روحانیون - مرجعیت - بیگانگان - طرفداری و اطاعت - مخالفت - نهضت - اعتراض - حمایت - تظاهرات - مأموران - تُرکیّه - عراق - تبعید - به طرز مرموزی - تدریس - تألیف - استعمارگر - به درخواست - ممنوع - ناگزیر - عهده - فعال - اعتصاب - استقبال - نظام - واژگون - پایه‌گذاری - خصوصیات - فروتن - غافل - محبوب - مایه افتخار - شخصیت - میراث گران‌بها

املائی واژه‌های مهم

☆ گردان: واحدی نظامی	☆ ثواب: پاداش، اجر آخرت
مرخصی: رفتن از محل کار برای زمانی معین	پُل صراط: اشاره است به روز قیامت که همه باید از آن عبور بکنند اما انسان‌های خوب در جهنم نمی‌افتند.
جبهه: محل نبرد و مبارزه با دشمن، میدان جنگ	☆ بهمان: شخص یا چیزی که ناشناس و نامعلوم باشد.
ول: آزاد، رها	معمولاً با «فلان» به کار می‌رود.
چه بسا: بسیار، فراوان	چینه: دیوار گلی
به کامم تلخ کنند: برای من ناخوشایند و آزاردهنده کنند.	عذرخواهی: معذرت‌خواهی
☆ تسویه: برابر کردن حساب	حلال کردن: گذشتن از گناه و بدی کسی
☆ طفره رفتن: کوتاهی در کار، سر دواندن	دهان بوی شیر دادن: کنایه از بچه بودن
بالآخره: عاقبت، سرانجام	مثل باد گذشت: به کنایه، تند گذشت. (تشبیه هم دارد)
☆ اعزاز: فرستادن، روانه کردن	☆ بغض: گرفتگی گلو از غصه و ناراحتی
☆ الحمدلله: خدا را سپاس، سپاس ویژه خداست	جگرخون کردن: بسیار ناراحت و آزرده کردن
☆ فرصت: زمان مناسب	مثل رعد پریدن: کنایه از تند پریدن (تشبیه هم دارد).
☆ هول بودن: ترسیدن، شتاب داشتن	رعد: تندر
☆ پاورچین پاورچین: آهسته و بی سر و صدا راه رفتن	☆ غوغا: آشوب و فریاد، همهمه
☆ سوءظن: بد گمانی	☆ غش کردن: بی‌هوش شدن
☆ پُر دادن: خودنمایی کردن، تکبر کردن	☆ تقصیر: سهل‌انگاری، کوتاهی
یک عالمه: بسیار زیاد	☆ آب غوره گرفتن: کنایه از گریه کردن
هوا پس است: مطابق میل نبودن اوضاع، احساس خطر کردن	☆ روضه: باغ، در این درس به معنی خطبه‌ای که در مجلس عزاداری بالای منبر خوانده شود.
مثل فتر از جا پریدم: کنایه و تشبیه از تند و سریع پریدن	☆ محوطه: فضا، جایی وسیع که دور تا دور آن را احاطه کرده باشند، محدوده، پیرامون
☆ کُلون: قفل چوبی که پشت در نصب کنند و با آن در را ببندند.	☆ هل دادن: فشار دادن و به سمت جلو راندن
☆ ژیان: خشمگین، خروشنده	☆ کوپه: هر یک از اتاق‌های ویژه مسافر در قطار راه‌آهن
☆ چریک: کسی که داوطلبانه می‌جنگد، سرباز شجاع	

معنی واژه‌ها به ترتیب سطرها

پیام درس

این درس به همه ما می‌آموزد که باید همیشه آماده دفاع از وطن و کشورمان باشیم. دلاوران بسیاری برای آزادی و سرافرازی ایران نریزمان، مبارزه کردند و از جان خود گذشتند؛ بنابراین ما هم همچون گذشتگان باید همیشه برای سربلندی ایران تلاش و از خودگذشتگی کنیم.

تاریخ ادبیات

کاتب، محمدرضا (۱۳۴۵ هـ. ش)

در تهران به دنیا آمد و از سنین نوجوانی به داستان‌نویسی روی آورد. «پری در آبگینه» و «دوشنبه‌های آبی ماه» از آثار او به‌شمار می‌آیند.

آقای احمدی نیا

در ضمن کتاب کار درس چهاردهم پاسخ داده شود

Last modified: 08:19

Created: 08:18